

نگاهی به مصر

مصر آبستن است تاچه زاید فردا

امیر فیض - حقوقدان

تظاهرات مردم مصر باچه سرانجامی روبروست؟ سوالی است که باپاسخ تحقیقی مواجه نیست و نظر و ملاحظات خبری سبب میشود که فکر انسان رسوبی از خود باقی بگذارد، زیرا زمان و دستاوردها آنچه که پنهان است در حدی آشکار و در اختیار قرار نگرفته که بتوان نظریه ای همراه با استدلال ارائه داد.

رسوب فکرنسبت به جریانات مصر

۱- انتقال قدرت که موضوع روز در جریان آشوبهای مصر است، و آمریکاهم خود را مصر در اجرای سریع آن نشان میدهد به معنای انتقال قدرت به منتخب رهبر مردم نیست و به مفهوم و خواست تحول، در قدرت و حکومت مصر است که بصورت انتقال قدرت رهبری کشور از مبارک به رئیس سازمان امنیت مصر عمل میشود رئیس امنیت مصر، مغز متفکر و بازوی اجرایی مبارک بوده است. مبارک سپر بلائی طرفداری از اسرائیل، محاصره غزه و فروش گاز مصر به اسرائیل به یک سوم قیمت واقعی است که در سال ۲۰۰۵ قراردادی گردید.

مبارک مسنول دخالت در انتخابات، زندانی مخالفان و از جمله ۱۵۰۰ نفر از شخصیت های اخوان المسلمین است ولی تصمیم گیرنده و مجری آنچه که جنبه امنیتی برای مصر دارد سازمان امنیت مصر و رئیس آن است که امروز جانشین اختیارات مبارک شده است چنانکه در تمام مذاکرات فلسطینیها با مصر، و شکست آن زیر نظر همین رئیس سازمان امنیت مصر صورت گرفت، فرمانده عملیات انسداد مرز مصر و غزه همین رئیس سازمان امنیت مصر است.

این درست همان چیزی است که آمریکا و اسرائیل بدنبال آن هستند که مبارک کنار برود و رئیس سازمان امنیت مصر که به مراتب قوی تر از مبارک در حفظ منافع اسرائیل و آمریکا است بر مسند قدرت بنشیند.

مبارک ۸۲ ساله است پیر شده طرفداری بی حد و حصر از اسرائیل و آنهم علنی اورا بی آبرو کرده است همانند سگی که با همه وفاداریش به صاحبش وقتی پیر میشود دیگر هیبتی ندارد و آرایش او را میخواباند (با میپول میکشد) و سگ جدید تری را جایگزین میکند تا همان روش سگ قدیمی را با جرات و سیاست و هشیاری دنبال کند.

سیاست مذاکره دولت مصر با رهبران سازمان های مخالف و متقابلا باز شدن بانکها از سقوط کامل حکومت مصر جلوگیری میکند و امکان انتقال قدرت را به کاندید آمریکا و اسرائیل برای جانشینی مبارک فراهم میسازد، ادامه تظاهرات باشوق و ذوق لازم همراه نمیشود نیاز مردم به تامین حوائج و کار، آنها را از تظاهرات بیرون میکشد و اینها همه سبب میشود که از سقوط کامل حکومت مصر جلوگیری و در نتیجه کنترل دولت از دست آمریکا و اسرائیل خارج نشود و فقط افرادی با افرادی از خودشان جایجا بشوند.

۲- در تظاهرات هیچ نوع شعار ضد اسرائیلی و یا آمریکایی دیده نمیشود و فقط خواسته برکناری مبارک است و این بدان معنی است که تظاهرات، سیاست مصر در مورد همکاری با اسرائیل و ضدیت با فلسطینی ها و نیز حمایت آمریکا از اعمال بیرویه اسرائیل را تائید میکنند، در حالیکه معلوم و مسلم در این معادله، مخالفت جدی و فراگیر مردم مصر با حمایت دولت مصر از اسرائیل و آمریکا است و این واقیعتی است که بارها نشانه گیری شده است.

اگر شعار مخالفت با اسرائیل و آمریکا در تظاهرات مردم مصر دیده نمیشود به این دلیل است که از هم اکنون برنامه حفظ روابط مصر و اسرائیل مد نظر دولت آینده مصر قرار دارد، و از آنجا که دولت آینده مصر باید در راستای خواست احزاب

ومخالفین مبارک عمل کند وچون تجدید نظر درروابط مصر با اسرائیل درردیف خواسته‌های تظاهراتی مصریان نبوده و نیست لذا برای دولت آینده هم الزامی درانجام این مهم نخواهد بود واین درست همان مرتبه حساسی است که درتظاهرات منظورشده است.

اگر تظاهرها متکی بر شعار مخالفت با اسرائیل و آمریکا بود حکومت آینده مصر ناچار بود خواست انقلابی رارعايت کند واین همان چیزی است که انتظار حضور برافش درتظاهرات بود که اصلا نبود.

عصام العریان یکی از رهبران اخوان المسلمین در مصاحبه با الجزایر گفته است: حرهبری تظاهرات با اخوان المسلمین نیست< پس باکی است؟ باکی است که تظاهرات مردم مصر خالی از شعارهای ضد اسرائیلی و آمریکایی است؟

کمال هلباوی یکی از سخنگویان سابق اخوان المسلمین اخیرا گفته است: <اگر درانقلاب مصر نقش خارجی حضور داشته باشد نقش اسرائیل است که لوله های نفت رامنفجر کرده>

ساده لوحانه است اگر تصور کنیم که اسرائیل در مقابل تحولات مصر فقط نظاره میکند و آه میکشد. حکومت مصر، رگ حیات اسرائیل است، بسیار قدرت و نفوذ و دستیار میخواید تا تظاهرات عظیم مردم مصر در جهت خواست واقعی آنها که مخالفت با اسرائیل و آمریکاست علنی نشود.

۳- آمریکا مردم مصر را بازی میدهد از همان نوع بازی که فلسطینی ها و اعراب رامیدهد، یعنی به مبارک و دولت اوتکلیف میکند که مقاومت کند و زمان بخرد و قدرت رابه ایادی مبارک واگذار کند و از طرف دیگر در ظاهر خود راپشتیبان مردم و تظاهرات نشان میدهد، همین برنامه راقبلا آمریکا در مورد خانه سازی اسرائیل در اراضی اشغالی اجرا کرد یعنی در ظاهر اعلام کرد که باخانه سازی اسرائیل در اراضی اشغالی فلسطینی هامخالف است و در ظاهر هم نخست وزیر اسرائیل به مخالفت رئیس جمهور آمریکا اعتنائی نکرد ولی در باطن اسرائیل باموافقت پنهانی آمریکا به خانه سازی در اراضی اشغالی ادامه داد، و بدین ترتیب آمریکا هم خود را حافظ منافع اعراب نشان داد و هم در جهت خواست اسرائیل حرکت کرد، ولی وقتی که موضوع خانه سازی اسرائیل در اراضی اشغالی در سازمان ملل متحد مطرح شد برای وتو یی که آمریکا بنفع اسرائیل داد مشتش باز شد.

۴- این آمریکا نیست که در کار مصر برنامه ریزی میکند اسرائیل است که میدانند اگر مصر برود اسرائیل هم رفته است، اسرائیل است که سیاست خارجی آمریکا رانسبت به اسرائیل تعیین میکند آریل شارون در سوم اکتبر سال ۲۰۰۱ گفت: <هروقت ماکاری میکنیم شما بمن میگوئید آمریکا میخواید اینطوری باشد ویا آنطوری باشد من میخوام صریح به شما بگویم از بابت فشار آمریکا بر اسرائیل نگران نباشید مایهودیان آمریکارا کنترل میکنیم و آمریکانیها هم این رامیدانند<

۵- برداشتهای بالا درحالی میتواند تفکر برانگیز باشد که دولت دیگری غیر از آمریکا و اسرائیل در مسئله مصر خود را دینفع و مدعی ندانند درحالیکه در چنین مواردی که <آب درکشوری گل آلود است هرکشوری سعی میکند ماهی بگیرد و درحالیکه انگلستان سابقه ممتدی در دخالت در حکومتهای مصر داشته و بسیاری از خاندانهای قدیمی مصر، پیوند هائی بادولت انگلیس داشته اند و از همه مهمتر اخوان المسلمین که یک حزب سیاسی مذهبی مانند حزب تشیع ایران وابستگی کامل تاریخی با انگلستان دارد نمیتوان تصور کرد که دولت انگلیس نقشی برای کشور خود در جریانات مصر قائل نباشد. بنابراین بنظر میرسد که آن کشور، آنطور در مصر عمل خواهند کرد که در شورش ۱۳۵۷ عمل کرد یعنی اول میدان میدهد به آمریکا که عوامل خودش رابه قدرت بنشانند (بازرگان و امیران نظام و جبهه ملی) وبعد در جریان انتخابات که اگر آزاد باشد همان خواهد شد که در فرآیند سال ۵۸ شد یعنی حکومت اسلامی مصر با اردنگ آمریکا راز مصر بیرون خواهد کرد همانطور که با خفت سی سال است که حکومت انگلیسی ایران آمریکانیها را بپس گردنی و خواری از ایران بیرون کرده است.